

## واعظی: گزارشی درباره رحلت آیت الله هاشمی ندیده‌ام

تهران (پانا) - رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در دومین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ادعاها مبنی بر وجود گزارش‌هایی درباره مرگ ایشان در دفتر ریاست‌جمهوری را رد کرد.

امروز (۱۹ دی) فقدان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دو ساله شد و در حالی که نبود آیت‌الله در طول ۲۴ ماه گذشته در برخی عرصه‌ها و موضوعات مختلف سیاسی کشور احساس شده است، ابهامات درباره علت مرگ ایشان از سوی فرزندان و خانواده‌ها و آیت‌الله مطرح می‌شود.

خانواده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر این باورند که دلایل برای مرگ طبیعی پدرشان به اندازه کافی وجود ندارد و برای این ادعای خود، اظهاراتی را نیز در طول دو سال گذشته ارائه کردند.

با این وجود به نظر می‌رسد که پرونده مرگ آیت‌الله هاشمی حداقل در شورای عالی امنیت ملی که به دستور رئیس‌جمهوری، مسئول بررسی آن شده بود، بسته شده است چرا که محمد هاشمی برادر آیت‌الله روز گذشته این موضوع را مطرح کرد که «گزارش در اختیار رئیس‌جمهوری قرار دارد». هرچند صحبت‌های محمد هاشمی امروز از سوی محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری رد شد.

واعظی در حاشیه نشست هیأت دولت به خبرنگار پانا گفت: «اصلاً چنین گزارشی را ندیده‌ام».

به همه این احوالات به نظر نمی‌رسد ابهام‌آلودی خانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رفع شده باشد. آنها در روزهای اخیر و به مناسبت دومین سالگرد درگذشت آیت‌الله، در مصاحبه‌ها و موضوعات مختلف این موضوع را مطرح کرده‌اند که ادامه مطلب، مروری بر آنها است.

تابه حال هیچ دلیل و نتیجه‌ای به خانواده هاشمی نگفته‌اند.

یاسر هاشمی در مصاحبه‌ای با اعتماد آنلاین در پاسخ به این سوال که «شما در مورد مرگ پدرتان پیش از این شبهه‌هایی را مطرح کرده بودید. هنوز هم پیگیر این موضوع از شورای عالی امنیت ملی هستید؟» می‌گوید: «ما هنوز هم ابهام داریم. توقع داریم مراجع رسمی درباره یک شخصیت طراز بالا که چنین اتفاقی افتاده، دلیل قانع‌کننده‌ای داشته باشند. ایشان دائماً محافظ و همراه داشتند و ما هنوز نمی‌دانیم دلیل ایست قبلی که پزشکان گفته‌اند، چیست. هیچ پزشکی هم تابحال مشخصاً دلیل ایست قلبی ایشان را نگفته است. توقع داشتیم که بیشتر از این نسبت به آن اتفاقی که در آن محل افتاد و فوری باید می‌آمدند و بررسی‌ها شروع می‌شد اما روند کندی داشت و تابحال هیچ دلیل و نتیجه‌ای هم به خانواده نگفته‌اند. بالاخره شما می‌دانید در جامعه یک ابهام جدی هست و لازم است مقامات کمک کنند تا این ابهام در جامعه رفع شود. اتفاقاتی هم که می‌افتد و پلاکارهایی حمل می‌کنند و شعارهایی که سر می‌دهند گویی می‌خواهند بگویند که موضوعی بوده و یک عده هم از این حرف‌ها ابا ندارند. همین موضوع ابهامات را هزار برابر کرده است».

همه مرگ طبیعی پدر را قبول کرده بودند اما من قبول نکردم

اعتماد آنلاین در مصاحبه با فرزند دیگر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را مطرح می‌کند و فاطمه هاشمی در این باره می‌گوید: «من مطمئنم که ایشان وصیتنامه‌ها را دارند. به یاد دارم سالی که به عراق

می‌رفتیم، من خودم وصیتنامه‌ی نوشتنم چون خوابی دیده بودم و به شوخی گفتم نکند می‌زنم؛ خواهی در آنجا کشته شویم! در واقع بابا داشت وصیتنامه می‌نوشت، من گفتم که من هم وصیتنامه‌ام را قبل از سفر عراق بنویسم. حتی به شوخی به مادر و پدرم گفتم برای ما چه می‌گذارد و چکار می‌خواهید بکنید؟ خندید و گفت تو که همراه ما هستی. دو، سه سال قبل از این اتفاق هم دیدم که مادرم می‌خواست در وصیتنامه اش تغییری دهد که همراه پدرم درمورد وصیتنامه هایشان صحبت می‌کردند. اما این وصیتنامه ای که بعد از مرگ پدرم پیدا شد مربوط به سال ۷۹ بود.

یعنی فکر می‌کنید همان شبی که این اتفاق افتاده آمدند و این وصیتنامه را بردند؟

در خانه که نبوده و احتمالاً در مجمع بوده. در مجمع هم می‌دانم که قطعاً آمدند و وسایل را برده‌اند. چون یکی از آقایان آنجا هم به من گفت که یکی از آقایان گفته بوده که آقای هاشمی اسناد خیلی مهمی داشته، ببینید کجاست؟ محسن در مراسم جماران به من گفت که دنبال وصیتنامه بابا می‌گردد و گفتم که شاید در گاوصندوق بابا باشد ولی در گاوصندوق نبوده است. گفتم بابا هم گاوصندوق و هم دو تا کتو داشت که مطالبی را می‌گذاشت. حتی شبیه ظهر روز قبل از فوت همه اینها در کشوی بابا بود ولی شب که رفته بودند هیچکدام نبوده است.

در این زمینه همچنان پیگیری می‌کنید؟

من خودم پیگیر شدم که دوربین‌ها را نشان دهند تا رفت و آمدها را ببینیم ولی گفتند که عکس دوربین‌ها پاک شده است. این‌ها همه ابهام است! خودشان هم می‌دانند. یکی از آقایان می‌گفت یک پرونده هم از او دست آقای هاشمی بوده است که نگه داشته بودند.

فاطمه خانم، شما در مورد مرگ ایشان و حوله آغشته به رادیواکتیو مصاحبه‌ای کردید که خیلی هم بازتاب داشت. بعد از اینکه این صحبت را کردید، تذکراتی هم به شما داده شد؟

نه چون را خودشان رسماً گفته بودند. قضیه این بود که همه مرگ طبیعی پدر را قبول کرده بودند اما من قبول نکردم. من مطمئن بودم. آدم خدا را ندیده ولی در اطرافش اتفاقاتی می‌افتد که پی به وجود خدا می‌برد. آیا غیر از این است؟ من با پدرم تا بعد از ظهر حرف زدم درحالی که هیچوقت به من نمی‌گفت که روز یکشنبه به استخر بیا! آن روز به من زنگ زد و گفت که امروز مادرت را به استخر بیاور. گفتم امروز جایی مهمان هستند و نمی‌توانند بیایند. گفت خودت بیا درحالی که هیچوقت اینطوری نمی‌گفت. گفتم من هم وقت دندانپزشکی دارم اگر کاری دارید من بیایم؟ گفت نه، نمی‌خواهد بیایی. من مطمئن بودم چون پدرم سالم بود و هفته قبل نزد پزشک چکاپ کرده بودند و گفته بودند که آقای هاشمی براحتی تا ۱۵ سال دیگر عمر می‌کنند و هیچ مشکل و ناراحتی ندارند. همه چیز طبیعی بود. شب و ظهر قبل پیششان بودم و صبح همان روز تلفنی با من حرف زدند. من و پدرم یک قرص معده مشترک می‌خوریم و فکر کرد که من قرصش را برده‌ام و از من سراغ قرصش را می‌گرفت که گفتم در یخچال گذاشته‌ام. یک حسی به من می‌گفت که مرگ طبیعی نیست. جالب است که هیچکدام پیگیری نکردند. با یک بیوپسی ساده از کبد می‌توانستند متوجه شوند که چه اتفاقی افتاده اما هیچکدام از این کارها درمورد ایشان انجام نشد. شورای امنیت با اعتراض من شروع به پیگیری کردند و بعد از یک ماه که هر هفته برای پیگیری مراجعه می‌کردم گفتند که به سرخ رسیده‌اند.

آقای شمخانی به شما گفتند که به سرخ‌های رسیده‌اند؟

بله خود آقای شمخانی به من گفتند و من با آقای شمخانی ملاقات می‌کردم.

آقای سیف‌اللهی را نمی‌دیدید؟

در جلسات می‌آمدند ولی در اصل جلساتم را با آقای شمخانی می‌گذاشتم. گفتند در ادارشان سرخ پیدا کرده‌اند. تعجب کردم که ادار ایشان را از کجا آورده‌اند! گفتند سوندی که در بیمارستان به ایشان

زده؛ و آزمایش کرده و باز کرده؛ و آزمایش کرده؛ و از من خواستند که این حرف را به کسی نزنم. گفتند رادیواکتیو آلفا با ۱۰ برابر حد مجاز در ادرارشان بوده است. بعد از آن خودشان مرا می‌خواستند و می‌پرسیدند که چه کسی بیشتر با ایشان بوده و همراهشان غذا می‌خورده است؟ پاسدارها می‌گفتند همیشه از غذایی که برای حاج آقا می‌آمده، می‌خورده؛ و می‌دانند. ولی هیچکس را انجام ندادند و فقط از من و مادرم آزمایش کردند. به مادرم گفتند که سه برابر حد مجاز دارد و من هم کمی که البته خیلی مهم نیست. اما هرچه می‌گفتیم جواب آزمایش‌ها را بدهید تا اگر مادرم آلوده است معالجه کنند. مردادماه سال گذشته هم همه خانواده را در شورای امنیت جمع کردند و گفتند که دیگر نمی‌توانند پرونده را ادامه دهند و باید مختومه شود. آنجا برای اولین بار گفتند که حوله هم آلوده بوده است. این درحالی است که در ابتدا از ادرار آلوده صحبت کرده بودند. گفتند حوله زیر پایشان بوده و ادرار روی آن ریخته شده. در آنجا چیزی نگفتم و بلافاصله به محافظینشان که بالای سر پدرم بودند، زنگ زدم. به دکتر هاشمی، وزیر و از عموم پرسیدم که گفتند اصلاً حوله‌ای زیر پای ایشان نبوده است. نمی‌دانم چرا این حرف را به ما زدند اما به نظر می‌رسد که بیشتر می‌خواستند اینگونه بگویند که در آن محیط اتفاقی نیفتاده است. اگر هم بوده از قبل بوده و ما هم نمی‌دانیم این رادیواکتیو از کجا آمده است. می‌گفتند شاید تنهایی می‌رفته است. درحالی که پدرم هیچوقت تنهایی بیرون نمی‌رفت و محافظان نمی‌گذاشتند یک دقیقه هم جایی برود. اما گفتند که بیشتر از این نمی‌توانند ادامه دهند و پرونده را نیز مختومه کردند.

بعد از آن دیگر پیگیری نکردید؟

چرا می‌کنیم، ما از رئیس جمهوری توقع داریم که جزو وظایفشان است که به طور جدی این قضیه را پیگیری کنند.

به شخصه به ایشان گفته؛ و امید که پیگیری کنند؟

نه، از شورای امنیت نامه برایشان رفته است ولی نمی‌دانم چه جوابی داده؛ و ما خواستیم که این قضیه جدی پیگیری شود.

مرگ پدرم در استخر فرح نبود

فاطمه هاشمی در مصاحبه دیگری با جماران نیز از مرگ پدر می‌گوید وقتی خبرنگار از او پرسید: «به بحث رحلت آیت الله بپردازیم که در آن مقطع تلخ؛ و ترین روزها را تجربه کردیم، بعد از آن اتفاق پرونده؛ و ای در شورای عالی امنیت ملی تشکیل شد که حاشیه؛ و های زیادی به دنبال داشت. یعنی با اظهاراتی که از سوی شما و سایر نزدیکان آیت الله صورت گرفت، ابهاماتی ایجاد شد و حال سوالی که مطرح است، چگونگی وضعیت این پرونده در آن شورا است؟» می‌گوید: «من فکر می‌کنم که آن پرونده را در شورای عالی امنیت ملی، بستند و سال گذشته، آخرین باری که آن شورا ما را دعوت کرد، اعلام کرد که این پرونده را می‌بندد. اما نمی‌دانم که از ناحیه ریاست جمهوری یا جایی دیگر این پرونده به جریان افتاده یا نه؟ ولی من با شواهدی که در این مدت به دست آوردم، مطمئن هستم که مرگ ایشان، مرگی طبیعی نبوده است.»

البته ما دیگر در جریان نیستیم. تنها یک بحثی را مطرح کردند که رادیواکتیو موجود در بدن ایشان بالای حد مجاز ۱۰ درصد بوده، یعنی هم ادرارشان آلوده بوده هم حوله؛ و ای که تن؛ و شان می‌کردند، آلوده بوده است. در آخر هم گفتند که نمی‌دانند این رادیواکتیو از کجا آمده و دلیلی هم برایش نداشتند. حتی گفتند بیشتر از این نمی‌توانند ادامه دهند.

این را هم گفتند که در بدن من و مامانم هم رادیواکتیو وجود دارد. البته من به این حرف؛ و ها اعتقاد چندانی نداشتم و بیشتر بیان آن را ردگم کنی می‌دانستم. بعدها با مطالعاتی که خودم راجع به رادیواکتیو و این مسائل کردم، به این نتیجه رسیدم که این موضوع ردگم کنی بوده، یعنی مسأله دیگری وجود داشته ولی رادیواکتیو برای؛ و شان راحت؛ و تر بوده که مطرح کنند. در همین رابطه شاهدیم که خودشان هم در شعارهایشان اعلام کردند.

یک نکته را هم باید تاکید کنم که آنجایی که پدرم فوت کردند استخر فرح نبوده و در سال ۷۷ ساخته شده است.

اخیرا هم که در یک پلاکارد، آقای هاشمی به مرگ در استخر فرح تهدید شد؛

تحلیل من این است که این افراد با جسارت تمام می‌خواستند بگویند ما این کار را انجام می‌دهیم و ترسی هم از کسی نداریم و خودمان آن را مطرح می‌کنیم. بالاخره عده‌ای این پلاکارد ها را از جایی گرفته بودند و در دست داشتند. پس از جایی خبر داشتند که این حرف را زدند. برای آقای روحانی هم نمی‌دانم که آیا تهدیدی جدی بوده یا تنها به معنای تذکری به ایشان در این زمینه بوده است، اما این تهدید برای پدر من از دو ماه قبل آن حادثه شده بود. به نحوی که آبان‌ماه همان سال، دو نفر از آقایانی که ادعا می‌کردند از بچه‌های جبهه و جنگ هستند، به دفتر من در دانشگاه آمدند و گفتند که «فصد ترور پدرتان را دارند و این پیغام را به ایشان برسانید.» من این مسأله را در شورای عالی امنیت ملی نیز مطرح کردم.

گزارش فوت آیت الله در دستان روحانی؟

اما محمد هاشمی، برادر آیت الله هاشمی در مصاحبه ای با خبرآنلاین درباره شبهات مربوط به فوت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، می‌گوید: «در این زمینه ما هیچ‌گاه امکان بررسی نداشتیم؛ تنها آقای شمخانی در شورای عالی امنیت ملی جلسه‌ای تشکیل داده و بررسی‌هایی انجام دادند در نهایت نتایج گزارش خود را به رئیس جمهور ارائه کردند.»

او با بیان اینکه ما اطلاعی از کم و کیف این گزارش نداریم، ادامه می‌دهد: «تنها در این حد شنیدیم که شورای عالی امنیت ملی گزارشی را تهیه و به رئیس جمهور ارائه کردند.»

هاشمی با تاکید بر اینکه پزشکان علت فوت مرحوم را ایست قلبی اعلام کردند، می‌گوید: «اما مشخص نیست که علت ایست قلبی چه بوده است؛ دقیقا این جا همان نقطه ابهامی است که از همان اول وجود داشت که راجع به آن صحبتی نشد، همان شب رحلت در بیمارستان به خبرنگاران اعلام کردم که پزشکان علت فوت را ایست قلبی اعلام کردند اما اینکه علت ایست قلبی چه بوده هیچ وقت مشخص نشد.»

اودرباره اینکه آیا خانواده پیگیر رفع شبهات درباره علت فوت هستند، می‌گوید: «چون محسن آقا وصی حاج آقا هستند باید از ایشان سوال کرد که آیا امکان پیگیری علت فوت آیت الله هاشمی وجود دارد یا خیر.»

پیشبرد اهداف سیاسی افراطیون با رحلت هاشمی

اما با وجود همه این اظهارات امروز محسن هاشمی، فرزند ارشد آیت الله در مصاحبه‌ای با روزنامه ایران درباره پدرش طرح موضوع را چندان به صلاح ندانست .

او گفت: «در مورد علت فوت ایشان واقعا ما هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌ایم، نمی‌توانیم بگوییم که شواهد کاملی برای مرگ طبیعی وجود دارد. ب رخی شواهدی برای مرگ غیرطبیعی مطرح می‌کنند، این فضا شاید به افراطیون دو طرف کمک کند که سوژه ایجاد ابهام و بحران را به دست بیاورند، رسانه‌های بیگانه از یک‌طرف و دلواپسان از طرف دیگر به این ذهنیت دامن بزنند و بخواهند اهداف سیاسی خود را با ابزار قرار دادن رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به پیش ببرند.»